

دو فصلنامه مطالعات تئودلی سال سیزدهم

بهار و تابستان ۱۳۹۷ شماره ۳۷، هفتم

سبک زبان و مطالعه نمود معنایی آن در شخصیت پردازی دو داستان از مثنوی معنوی بر اساس فرانش های نظام گذرایی^۱

راحله غلامی^۲

اشرف شیبانی اقدم^۳

چکیده

در این مقاله، پرسش اصلی، چگونگی تحقق سبک عرفانی و ویژگی های متمایز زبانی - معنایی بر اساس دستور نقش گرای هلیدی در مثنوی معنوی است. دریافت شگردهای مولانا در بیان امور معنوی و پیوند آن با تجربه های مادی و عینی می تواند ویژگی های بافت را تبیین کند. چگونگی گزینش شاعر از میان عناصر واژگانی و انتخاب خاص افعال بازنمود دنیای درونی و بیرونی او است. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش بررسی شخصیت های دو داستان از مثنوی معنوی با محوریت قراردادن شخصیت پیر با توجه به نظام گذرایی است. در هر داستان، پس از ارائه بسامد فرایندهای مرتبط با هر شخصیت، ویژگی های زبانی و سبکی بافت مورد مطالعه به دست می آید؛ بنابراین، ابتدا ابیات مرتبط با طرح اصلی داستان و شخصیت ها تفکیک می شوند، سپس با مشخص کردن در صد و بسامد فرایندهای به کار رفته تحلیل کیفی در کنار فراوانی آماری و کمی قرار می گیرد. در نهایت، داستان ها در قیاس با هم تبیین می شوند. تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد فراوانی هر یک از فرایندها ابعادی از ویژگی های شخصیت ها را نمایش می دهد. فرایندهای ذهنی در داستان پیر چنگی با توجه به رویای صادقه پیر قابل توجه است. به کارگیری انواع فرایندها برای تعلیم موضوعات عرفانی و جایگاه پیر نشان می دهد القای نگرش مولوی با استفاده از فرایندهای گوناگون درون فرایندهای کلامی و گاه ذهنی ویژگی متمایز از سبک عرفانی را منعکس می سازد و برتری فرایند کلامی و شیوه گفت و گو را از نظر شاعر این اثر جاودان القا می کند.

کلیدواژه ها: مثنوی معنوی^۴، سبک زبانی - معنایی، نظام گذرایی، پردازش شخصیت

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «مطالعه سبک شناختی دفتر اول و دوم مثنوی معنوی با تکیه بر نظام گذرایی و ادبیت» بوده و مورد حمایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.

۲- دانش آموخته در مقطع دکتری دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی Rah.gholami.lit@iauctb.ac.ir

۳- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (عهده دار مکاتبات) a.sheibaniaghdam@iauctb.ac.ir

مقدمه

سبک‌شناسی مطالعه تنوع کاربرد زبان و راه‌های ایجاد معناست. سبک‌شناسان از مدل‌های زبانی، تئوری‌ها و چارچوب‌ها به منزله ابزاری برای توضیح و تفسیر دلیل و چگونگی کارکرد یک متن و دریافت معنا از سوی مخاطب استفاده می‌کنند. در این تحلیل‌ها، کیفیت یا کمیت واجی، واژگانی یا دستوری، معنایی، کاربردی یا ویژگی‌های گفتمان متن‌ها، ابعاد شناختی و فرایندهای پیچیده مرتبط با خواننده و ترکیبات متنوع بررسی می‌شوند (Nørgaard, 2010). یکی از حوزه‌های بسیار مولد در سبک‌شناسی دستور نقش‌گرای هلیدی است که بر چگونگی تولید گفته‌ها و متن‌ها تمرکز دارد. براساس زبان‌شناسی کارکردی هلیدی، زبان سه فرانش دارد: معنی اندیشگانی، بینافردی و متنی. هر کدام از این کارکردها در شبکه درهم تنیده‌ای از نظام‌ها بازتاب می‌یابد و معانی درون‌متنی را تبیین می‌کند. شاعر با گزینش از میان عناصر زبانی، دنیای پیرامون خود را بازنمایی می‌کند. براساس دستور نقش‌گرای هلیدی، نظام گذرایی به انواع فرایندهای بیان‌شده در بندها مرتبط است که در گروه فعلی تحقق می‌یابند. بسامد فرایندها با مشارکان، کارکرد و محتوای معنایی زبان تجربه شاعر از زندگی و جهان درون او را منعکس می‌کنند. در این مقاله، قصد بر آن است سبک زبانی - معنایی و عرفانی مثنوی معنوی در دو داستان و پرداخت شخصیت‌ها براساس دستور نقش‌گرای هلیدی تبیین شود. مثنوی معنوی که از منابع عرفان شرق و گنجینه‌های ادب فارسی به‌شمار می‌رود لایه‌های مختلف معانی اندیشه‌های صوفیانه را در اشعار مولوی بازتاب می‌دهد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که سبک عرفانی مثنوی معنوی با بررسی دستور نقش‌گرای هلیدی چه ویژگی‌هایی را آشکار می‌سازد؟ برای پاسخ به پرسش مذکور ابتدا بسامد و نوع فرایندهای مرتبط با هر شخصیت در دو داستان پیر چنگی و رفتن گرگ و روباه به خدمت شیر با محوریت قراردادن شخصیت پیر در عرفان مشخص می‌شود. انتخاب این داستان‌ها به سبب پرداخت بیشتر به شخصیت پیر صورت می‌گیرد. سپس ویژگی‌های زبانی و متمایز این داستان‌ها

بک زبان و مطالعه نمود معنایی آن در شخصیت پروازی..... ۶۳۱۱۱

در قیاس با یکدیگر بازگو می‌شود. این پژوهش می‌تواند ویژگی‌های سبکی متمایز در آثار عرفانی را با توجه به نوع بافت و ژانر منعکس سازد و زمینه‌ای برای تحقیقات بعدی در دیگر انواع ادبی فراهم آورد.

مطالعات نظری

در این بخش، به مرور مطالعه‌های صورت گرفته می‌پردازیم: نخست، پژوهش‌هایی در مورد پیر در ادبیات و اشعار برخی از شاعران و سپس مروری بر تحقیقات صورت گرفته در حوزه نظام گذرایی را از نظر می‌گذرانیم.

درباره پیر در ادبیات عرفانی مطالعات مختلف به انجام رسیده است. در این میان، می‌توان به مقاله بررسی پیر در عرفان در ابیات عرفانی با تکیه بر مثنوی معنوی از ملک محمد فرخزاد اشاره کرد. فرخزاد در این مقاله به توضیح و بررسی سیمای پیر در حدیقه سنایی، منطق الطیر عطار، مثنوی مولوی و دیوان حافظ می‌پردازد. وی معتقد است مولانا نسبت به دیگر شعرا توانسته در بیان مسئله پیر موفق باشد. سنایی کمتر از مولوی به مقام پیر راستین می‌پردازد؛ زیرا خانقاه در زمان سنایی هنوز دارای اعتبار بود و انحراف‌های اخلاقی آن اندازه نبود که از وجهه قداست اهالی خانقاه کاسته شود؛ بنابراین، سنایی ضرورتی نمی‌بیند در مورد شخصیت پیر موشکافی کند. اگرچه سخن سنایی درباره پیر سخت و خشک است، مایه و اصل سخن مولانا و در کلام او پخته، جذاب و دل‌انگیز است و مؤثرتر می‌نماید. پیر مغان حافظ آگاه، فرزانه و رهنمون انسان‌های شریف و حافظ ارزش‌های انسانی است (فرخزاد، ۱۳۹۲، ۱۵۸). روزبهانی در مقاله‌ای با عنوان مقایسه سیمای پیر در حدیقه سنایی و مثنوی مولوی بیان می‌کند پیر راستین براساس اندیشه مولانا و عطار عنصر اصلی وصول به حق به‌شمار می‌رود. پیر کلید باب نجات، سایه حق، تجلیگاه اسما و صفات الهی، آئینه حقیقت، آگاه از اسرار و رموز هستی، نایب حق، جاسوس دل‌ها و قادر بر تصرف در عالم است. او با عنایت حق به فناء اوصاف، افعال و ذات خود می‌پردازد. آئینه صاف وجود پیر انوار الهی را منعکس می‌کند و روشن‌کننده مسیر سلوک

۱۱۶۴ // دو فصلنامه مطالعات تعدادی / سال نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷ شماره پیل و نهم

کاروانیان مشتاق است (حیدری نوری، ۱۳۹۳، ۳۷). گرجی با مقایسه پیر مغان حافظ با کهن‌الگوی پیر خردمند یونگ آن را به‌طور کامل با این تصویر کهن منطبق می‌شمارد (گرجی، ۱۳۹۰، ۱۵۱). انوری بیان می‌کند واژه پیر و ترکیبات آن مانند پیر مغان، پیر خرابات، پیر میخانه و پیر می‌فروش در دیوان حافظ ۹۷ بار ثبت شده است (انوری، ۱۳۸۵، ۶۲۵ - ۶۳۲). ضرورت وجود پیر راه‌دان در اغلب آثار عرفا و شعرای عارف مسلک مطرح شده است. «یکی از بنیادهای باورشناختی در دبستان‌های درویشی پیری است. در همه این دبستان‌ها رهرو راه‌آموز چاره‌ای جز یاری‌جستن از پیر در پیمودن راه دشوار و بیم‌انگیز سلوک ندارد؛ تا بدان‌جا که پیمودن این راه را بی‌پیر کاری ناشدنی می‌دانسته‌اند. خواجه بزرگ در بیتی چنین اندر زمان داده است:

به کوی عشق منه بی دلیل راه قدم که من به خویش نمودم صد اهتمام و نشد
خواجه صد بار آزموده است بی‌پیر و رهنمای گام در کوی عشق بنهد، اما نتوانسته است
(کزازی، ۱۳۹۱، ۱۱۶).

یکی از پژوهش‌های صورت گرفته براساس جستار حاضر، مقاله تحلیل انتقادی گفتمان مقامات مشایخ صوفیه به قلم سجودی و اکبری است. در مقاله نامبرده، پژوهشگران سعی کرده‌اند با بررسی نظام گذرایی در تحلیل گفتمان انتقادی چگونگی رمزگذاری ساختارهای زبان‌شناسی خاص متن و جهان‌بینی نویسنده را تبیین کنند. آنان دریافتند فرایند غالب در حکایت‌های بررسی شده در سیرت ابن خفیف فرایند کلامی است. این مسئله نشان می‌دهد عنصر گفت‌وگو در حکایت‌ها اهمیت دارد؛ چراکه پیکره اصلی حکایت‌های ابن خفیف شامل «گفت‌وگو» است. در مقابل، فرایند غالب در مقامات ژنده‌پیل فرایند مادی است (سجودی، ۱۳۹۳، ۸۲). از دیگر پژوهش‌های مرتبط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در مقاله‌ای با عنوان جهان‌بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول مثنوی با تکیه بر نظام گذرایی تلاش شده است نظام گذرایی همچون ابزاری برای بررسی نظام‌مند برای تحلیل

سبک زبان و مطالعه نمود معنایی آن در شخصیت پردازی..... ۶۵۱۱۱

ابیات به کار رود. براساس مقاله مذکور آشکار شد هسته اصلی و مرکز معنایی فرایندهای به کار رفته فرایندهای رابطه‌ای است و نمود فرایندها هدف تعلیمی و ارشادی خاصی را تأکید می‌کنند (شیبانی‌ا قدم، ۱۳۹۶، ۱۲۳).

منشی‌زاده در مقاله‌ای با عنوان بررسی سبک‌شناختی فعل در گلستان به‌طور خاص به مقوله گذرایی، بررسی مؤلفه‌های اصلی و تبیین ویژگی‌های آن در گلستان سعدی پرداخته است. وی با مدد گرفتن از مبانی نظری و نگرش‌های نظام گذرایی نشان می‌دهد سعدی در ساخت و گزینش فرایندها (افزون بر معنی، وزن، ایفای نقش در تکرارهای هنری و داشتن ظرفیت) به بیان هم‌زمان چند مفهوم برای تقویت اصل ایجاز توجه کرده و صنعت پردازی وی برای تحقق این هدف بوده است (منشی‌زاده، ۱۳۹۴، ۲۵۹).

در این باب، می‌توان به پژوهش‌های دیگری نیز اشاره کرد: مقاله آقاگلزاده با عنوان سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقش‌گرا که در آن تلاش شده است طرز فکر و ایدئولوژی نویسندگان در چهار داستان کوتاه فارسی از جلال آل احمد و صادق هدایت آشکار شود (آقاگلزاده و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۴۳).

در مقاله‌ای با عنوان نقد و تحلیل گفتمان نقشبندیه در غزل جامی براساس نظریه زبان‌شناختی فرکلاف و هلیدی به تبیین جایگاه تصوف طریقت نقشبندیه در گفتمان غزلیات جامی پرداخته شده است (فقیه ملک‌مرزبان، ۱۳۹۲، ۱۱۳).

تا آنجا که مؤلفان مطلع‌اند اثری در این باب به فارسی یا انگلیسی نوشته نشده است. از آنجا که پیر در عرفان، در مقام راهبر دینی و مربی سالک، از اهمیت بسیاری برخوردار است و در ابیات شاعران برجسته ادب فارسی همچون حافظ، مولانا، عطار و سنایی برجسته می‌نماید، کار در این حوزه به‌طور نظام‌مند یک ضرورت به‌شمار می‌آید. در این پژوهش، می‌کوشیم شخصیت پیر را براساس نظام گذرایی و ویژگی‌های زبانی مثنوی معنوی بررسی کنیم تا شیوه خاص دستور نقش‌گرای هلیدی در تبیین مقام پیر تبیین شود.

سبک‌شناسی نقش‌گرا بر گرفته از زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی است. هلیدی در دستور نقش‌گرای نظام‌مند سه فرانش را بررسی می‌کند: فرانش اندیشگانی، فرانش بینافردی و فرانش متنی. کل‌الگوی این دستور بر پایه رابطه و تعامل میان این سه فرانش است. برای بررسی این موارد نظام‌های دستوری متفاوت به کار می‌رود. فرانش بینافردی بر روابط میان گوینده و مخاطب، میزان صمیمیت و آشنایی آنها و عواملی از این دست تمرکز دارد. فرانش متنی به ساخت متن مربوط است. در فرانش متنی، زنجیره‌ها و توالی‌های گفتمان ایجاد می‌شوند و پیوستگی جریان سخن، هم‌زمان با پیش‌رفتن کلام، سازمان‌دهی می‌شود (Halliday, M.A.K and Mathiessen, 2004, 30). فرانش اندیشگانی (تجربی) شیوه انتقال تجربه به وسیله زبان است. از این رهگذر، گوینده/نویسنده تجربه‌های خود از دنیای پیرامون را بیان می‌کند. در این نظام، واحد دستوری معنی‌دار بند است. آنچه اتفاق می‌افتد، احساس می‌شود، هستی می‌یابد، صورت می‌گیرد و ارتباط میان پدیده‌ها در این واحد معنادار نمود می‌یابد (شیبانی‌ا قدم، ۱۳۹۴، ۱۰۵). تجربه‌های بشر در قالب اندیشه‌ها، وقایع و کنش‌های او شکل می‌گیرد و در زبان منعکس می‌شود؛ به عبارت دیگر، تفکرات و اعمال ما در زبان بازتاب می‌یابد و در دستور نقش‌گرای هلیدی این نقش به فرانش اندیشگانی نسبت داده می‌شود. هر یک از این سه فرانش با نظامی جداگانه در ارتباط‌اند. فرانش اندیشگانی در نظام گذرایی^۱، فرانش بینافردی در نظام وجه و وجهیت^۲ و فرانش متنی نیز در نظام مبتدا و خبر^۳ تحقق می‌یابند (رضویان، ۱۳۹۴، ۱۴۷). نظام گذرایی بیان‌کننده رخداد، رابطه، حالت، اندیشه، احساس، رفتار و وجود پدیده‌های جهان است. هر کدام از موارد مذکور با عنوان فرایندها مطرح می‌شوند (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶، ۷۱). فرایندها در قالب گروه‌های فعلی تحقق می‌یابند. هر فرایند شامل سه فرایند اصلی است. همچنین، در این میان همواره سه عنصر مشاهده

1 - Transitivity

2 - Mode & Modality

3 - Topic and Predicate

بک زبان و مطالعه نمود معنایی آن در شخصیت پردازی..... ۶۷

می شوند: ۱- خود فرایند که در گروه فعلی تجلی می یابد. ۲- شرکت کنندگان در فرایند: در قالب گروه های اسمی و صفتی، قابل بررسی هستند. ۳- زمینه وقوع رویدادها: موقعیت های همراه با فرایند در قالب گروه های حرف اضافه ای، قیدی و بندهای قیدی پیرو (تولان، ۱۳۸۶، ۱۹۶ - ۱۹۷). شایان ذکر است نظام گذرایی با ارتباط میان فعل و اجزای وابسته به آن مانند مفعول با واسطه و بی واسطه در دستور سنتی متفاوت است. دستور نقش گرا بر طبقه بندی الگوی گذرایی بر پایه معنا و ضوابط دستوری و فرایندها (مادی، ذهنی، رفتاری، رابطه ای و وجودی) متکی است. کاربرد مدل گذرایی برای تحلیل ادبیات (Burton, 1982; Kennedy,) (1982; Toolan, 1998) نشان می دهد معنی اندیشگانی برای بررسی شخصیت ها، چگونگی دنیای متن (چه کسی، چه چیزی، چه زمانی، چرا و برای چه چیزی)، کنش ها و روابط ابزاری کاربردی است. در توصیف شخصیت، برای مثال بسامد فرایندهای مادی می تواند شخصیت را نسبت به مشارک فرایندهای ذهنی فعال تر کند. ویژگی های یک شخصیت می تواند با فرایندهای مادی در یک پاراگراف و در پاراگراف دیگر با فرایندهای ذهنی مجسم شود و هر یک از فرایندهای دیگر مانند رابطه ای و وجودی ابعادی از معنا را در مورد آن آشکار سازند.

کندی در تحلیل بخشی از رمان *The Secret Agent* از کنراد نشان می دهد چطور موقعیت های پیرامونی، مشارکان و فرایندها برای نتایج ویژه به کار می روند. در این بخش - جایی که خانم ورلوک همسرش را با چاقویی تیز می کشد - شخصیت آقای ورلوک به صورت مشاهده کننده مرگ خود با فرایندهای ذهنی شناختی (شنید و دید) و فرایندهای مادی ناگذر - که میان مشارکان دیگر گسترش نیافته - نمایش داده می شود. شخصیت خانم ورلوک تا حدی از کنش های خود دور است؛ چراکه بخشی از بدنش و سلاح مرگ بار (به جای خود خانم ورلوک) به منزله مشارک عمل او مجسم می شود (Nørgaard, 2010, 99 - 100).

در ادامه، براساس نظام گذرایی نمود شخصیت پیر در مثنوی بررسی می شود.

بحث و بررسی

در این بخش، به بررسی و تحلیل شخصیت پیر با تکیه بر نظام گذرایی می‌پردازیم. در این راستا، این شخصیت در کنار شخصیت‌های دیگر، نمود کنش‌ها و براساس بافت تبیین می‌شود و در صورت لزوم داده‌های کمی در کنار تحلیل کیفی ارائه می‌شوند. در ادامه، مباحث مورد مطالعه و مرتبط با پیر در مثنوی معنوی مطرح می‌شود.

دستور نقش‌گرای هلیدی، به منزله یکی از کلیدواژه‌های مورد بررسی، نظریه‌ای معنایی محسوب می‌شود که بر چگونگی معنا در بندها تمرکز دارد. هر بند به‌طور بالقوه شامل سه جزء می‌شود: خود فرایندها که با عبارت‌های فعلی بیان می‌شوند، مشارکان مرتبط با فرایندها که با عبارت‌های اسمی دریافت می‌شوند و موقعیت‌های مرتبط با فرایندها که اغلب به وسیله قیده‌ها و عبارت‌های حرف اضافه‌ای مطرح می‌شوند. فرایندها می‌توانند با توجه به بیان کنش یا رویداد و موقعیت‌های ذهنی یا مرتبط با بودن تقسیم‌بندی شوند. فرایندهای اصلی شامل مادی، ذهنی و رابطه‌ای می‌شود که مرتبط با کنش‌ها و رویدادها در دنیای خارج، تجربه درونی از آگاهی و فرایندهای شناختی و ادراکی هستند. فرایندهایی میان این فرایندها با مرزهای نزدیک به هم قرار می‌گیرند: رفتاری (ظهور بیرونی حالت‌های درونی)، کلامی (روابط نمادین ساخته‌شده در آگاهی انسان و حالت‌های فیزیولوژیکی) و وجودی (فرایندهای مرتبط با وجود داشتن). در دستور نقش‌گرای هلیدی، فرایندها شامل نمونه‌های بیان‌شده در جدول یک است. بر این اساس، نظام گذرایی نشان می‌دهد چگونه کاربران زبان تصویر ذهنی خود را از واقعیت کدگذاری می‌کنند و چطور تجربه‌های اطراف خود را گزارش می‌دهند (Halliday, 1994, 106). در این نظام، بر چگونگی ارائه افکار و ایده‌ها و قدرت و ارتباط‌های معنایی (چه کسی چه چیزی را برای چه کسی انجام داد؟) تمرکز می‌شود. نظام گذرایی در قالب فرایندهای مختلف قابلیت طبقه‌بندی و ارزیابی رخدادهای نامحدود را برای کاربران زبان فراهم می‌کند. در تحلیل نظام

سبک زبان و مطالعه نمود معنایی آن در شخصیت پردازی..... ۶۹۱۱۱

گذرایی چگونگی گزینش‌ها در متن و گفتمان موقعیت‌های مربوط به «بودن، کنش‌ها و رخدادها»، تمایل‌ها و تعصب‌های اجتماعی و بافتی آشکار می‌شود

جدول ۱

انواع فرایندها در دستور نقش‌گرایی هلیدی

فرایندها	نمونه‌ها
مادی	چنگ رازد بر زمین و خرد کرد (۲۱۸۶/۱)
رفتاری	چون بسی بگریست و از حد رفت درد (۲۱۸۶/۱)
ذهنی	سر نهاد و خواب بردش، خواب دید (۲۱۰۶/۱)
کلامی	گفت: در ظلمت دل روشن بسی است (۲۱۷۴/۱)
رابطه‌ای	آن ندایی کاصل هر بانگ و نواست (۲۱۰۷/۱)
وجودی	تا نماند دو سری و امتیاز (۳۱۰۳/۱)

از منظر زبانی، تحلیل نظام گذرایی دیدگاهی معناگراست. این معنا به وسیله یک بند و گزاره درباره دنیایی بیان شده که در آن رویداد، موقعیت، رابطه یا صفت برخی از مشارکان پیش‌بینی می‌شود. تحلیل نظام گذرایی نشان می‌دهد چطور ساختار زبانی ایدئولوژی‌هایی خاص را می‌سازد. از دید جامعه‌شناسی، همان‌طور که فرکلاف (1992) نشان می‌دهد، بررسی نظام گذرایی نوعی درک در مورد جامعه، فرهنگ و ایدئولوژی ارائه می‌کند. این موارد ممکن است بر دلالت‌های فرایندها در متنی خاص تأثیر بگذارند. در نتیجه، تحلیل نظام گذرایی آشکار می‌سازد چطور نویسنده کارگزاران و فرایندها را به مشارکان گوناگون در متن نسبت می‌دهد؛ بنابراین، ابزاری مفید برای کشف راه‌هایی است که در آن زبان واقعیت را به وسیله عوامل و کارگزاران غالب یا اصلی، کنشگران یا گروه‌های توصیف یا قطبی شده در گفتمان می‌سازد (Li, 2010, 3447).

برای مطالعه شخصیت‌های متفاوت، با محوریت قرارداد پیر در بافت عرفانی، براساس نظام گذرایی ابتدا دو داستان پیر چنگی و رفتن گرگ و روباه به خدمت شیر به دلیل پرداخت بیشتر به شخصیت پیر انتخاب می‌شوند. ایات مرتبط با شخصیت‌ها و گفت‌وگوهای آنان تفکیک می‌شود. از آنجایی که دستور نقش‌گرای هلیدی مبتنی بر دلالت‌های معنایی است، همواره ساخت ظاهری فرایندها معنا را آشکار نمی‌سازد. در نتیجه، معنا مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به اهمیت مقام پیر در عرفان و بافت مورد مطالعه، تلاش پژوهشگران بر آن است تا برآیند این شخصیت در کنار دیگر مشارکان مشخص شود و ایدئولوژی نویسنده در این باب بدین وسیله تبیین شود. با مطالعه الگویی گذرایی درک چگونگی شکل‌گیری ایدئولوژی‌ها در مورد پیر مشخص می‌شود. این تحلیل در داستان‌های مورد مطالعه (تمثیلی و غیرتمثیلی) می‌تواند تفاوت‌های زبانی متمایز را آشکار سازد. در ادامه، دو داستان پیر چنگی و رفتن گرگ و روباه به خدمت شیر براساس دستور نقش‌گرای هلیدی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

پیر چنگی

پیر چنگی داستان مطربی خوش آوازه است که جامعه او را به دلیل کهولت و از دست دادن هنر خود طرد می‌کند. او در فقر و ناتوانی غوطه‌ور می‌شود، دل به امید حق می‌بندد و پیوند امیدش از خلق گسسته می‌شود. این فرایند رفتاری بریدن از خلق و پیوستن به حق هنجاری مشخص و مقبول در بافت مورد مطالعه را نمایان می‌سازد و به فرایند مادی می‌انجامد: از این‌رو، شبی به گورستانی خاموش در حومه مدینه می‌رود و با خود می‌گوید: این بار باید تنها برای خدا بنوازم تا از دریای بیکران رحمت الهی بهره‌ای بگیرم. فرایند مادی او با فرایند ذهنی مونولوگ همراه می‌شود. در نتیجه، اهمیت نیت و فرایند ذهنی برای انجام‌دادن عمل القا می‌شود. داستان این‌طور ادامه می‌یابد: او در نواختن زخمه‌ها غرقه می‌شود. آن‌قدر چنگ می‌نوازد تا به خوابی ژرف فرو می‌رود. در این حال، حق تعالی اراده می‌فرماید خلیفه مسلمین یعنی عمر نیز به خواب گرانی فرورود. خواب عمر نوعی دیگر از فرایند ذهنی و مؤثر در پیش‌رفتن پیرنگ است. عمر پی

سبک زبان و مطالعه نمودن مانی آن در شخصیت پروازی..... ۷۱۱۱۱

می برد این خواب غیر معهود که بی هنگام بر او عارض شده است، حتماً پیامی به همراه دارد. سر بر بالین می نهد و به خواب فرو می رود. در میان خواب، سروشی غیبی در گوش جان عمر طنین می اندازد: هم اینک برخیز. به گورستان مدینه برو و نیاز یکی از بندگان خاص مرا بر آورده ساز. هفتصد دینار از بیت المال برگیر و بدو ده. این مقدار دستمزد سازی است که برای خدا به نوا در آورده است. عمر از خواب گران بر می خیزد و راه گورستان را در پیش می گیرد. وقتی بدانجا می رسد، گرد گورستان می گردد و چشم به هر سو می افکند تا آن بنده مقرب را پیدا کند، ولی هر چه نگاه می کند کسی را نمی یابد مگر رامشگری سالخورده که چنگک زیر سر دارد. با خود می گوید آیا این همان بنده مقرب است؟! آیا رامشگری ژولیده همان بنده ای است که در خواب بدو سفارش شده است؟ قانع نمی شود. فرایند ذهنی عمر در قالب مونولوگ برای بازنمایی صحنه و شخصیت پیر چنگی شاخصه های جذاب به داستان می افزاید و صحنه سازی را تکمیل می کند. عمر باز هم می گردد، ولی هیچ کس را نمی یابد. سرانجام به فراست در می یابد این پیر چنگی همان کسی است که در خواب بدو سفارش شده است. در این حال، ناگهان عمر عطسه ای می کند. پیر چنگی از صدای آن از خواب می پرد. وقتی نگاهش به عمر می افتد، بیمناک می شود؛ زیرا گمان می کند این محتسب قصد تعزیر او را دارد، ولی عمر به او آرامش می دهد و پیغام غیبی را برای او بازگو می کند. آن همیان زر را بدو تحویل می دهد. پیر چنگی زاری و فغان می کند. پشیمان می شود از اینکه عمری را به خاطر مجالس طرب ساز زده است و در می یابد باید چنگک و ساز را تنها برای خدا نواخت و بس. به نظر می رسد بسامد فرایندهای ذهنی در داستان مورد مطالعه یعنی مونولوگ، خواب و ظن و گمان در کنار فرایندهای کلامی آن را محوری و برجسته می سازد. واژه پیر در ترکیب پیر چنگی - متبادر کننده پیر طریقت به ذهن - وجه مثبت و هماهنگ با بافت را از پیر چنگی منعکس می سازد. استاد فروزانفر این داستان را برگرفته از اسرار التوحید می داند (فروزانفر، ۱۳۸۱، ۳/۷۵۳). شخصیت های عمر و پیر

۷۲ // دو فصلنامه مطالعات تعدادی / سال سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷ شماره پیل و نهم

چنگی دو نوع متمایز از پیر را نشان می دهند. وجهه عمر همچون اولیای الهی قابل و شایسته سخن گفتن با خداوند است؛ به طوری که مخاطب و هدف فرایند کلامی پروردگار، عمر است:

بانگ آمد مر عمر را: کای عمر بنده ما را ز حاجت بازخر

(مولوی، ۱۳۸۷، ۱/۲۱۶۲)

فرایند مادی «رنجه کن قدم» به جای «برو» می تواند بر وجهه الهی عمر نزد خداوند تأکید کند (همو، ۱/۲۱۱۶). وجهه پیر چنگی نیز پس از گذر از عالم ماده و هواهای نفسانی مخاطب خداوند قرار می گیرد:

امر می آمد که نی طامع مشو چون ز پایت خار بیرون شد برو

(همو، ۱/۲۱۰۲)

انواع فرایندها در عمل روایی و شخصیت پردازی و ویژگی هایی را برجسته و روشن می سازند (جدول ۲).

جدول ۲

نظام گذرایی در برخی از ابیات داستان پیر چنگی

شماره بیت	شرکت کنندگان	فرایند	شرکت کنندگان
۱	۲۰۸۳/۱	پیر چنگی (گوینده)	گفت (کلامی)
۲	۲۰۸۵/۱	پیر چنگی (کار گزار)	برداشت (مادی)
۳	۲۰۸۹/۱	پیر چنگی (مدرک)	خواب بردش (ذهنی)
۴	۲۰۸۹/۱	مرغ جاننش	رست (مادی)
۵	۲۰۸۸/۱	پیر چنگی (کار گزار)	زد (مادی)
۶	۲۱۷۹/۱	عمر (گوینده)	گفتش (کلامی)
۷	۲۱۷۸/۱	عمر (مدرک)	نظر کرد (ذهنی)

از مجموع ۱۵۶ فرایند به کار رفته برای شخصیت ها در داستان پیر چنگی فرایند مادی با ۱۶/۶۶٪ بیشترین بسامد و فرایند وجودی کمترین فراوانی را نشان می دهد. فراوانی فرایند مادی می تواند به ترغیب مخاطب به انجام دادن عمل و کار گزار بودن برای عبور از گردنه های سلوک تأکید

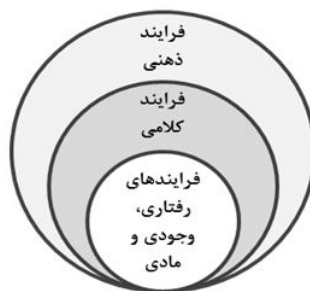
بک زبان و مطالعه نمود معنایی آن در شخصیت‌پردازی..... ۷۳۱۱۱

کند. در این داستان، سه درجه پیر مشاهده می‌شود: خداوند، پیر چنگی و عمر. از آنجا که وجهه آنها در قیاس با خداوند مشخص می‌شود فرایندهای به کار رفته در نشان دادن تصویری از پروردگار نیز مطرح می‌شود که شامل فرایند مادی ۴/۴۸٪ و باقی فرایندها هر کدام با ۰/۶۴٪ فراوانی است. فرایند وجودی برای خداوند دیده نمی‌شود. بسامد انواع فرایندها نشان می‌دهد برای شخصیت پیر چنگی فرایندهای بیشتری انتخاب شده است. فرایندها به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از فرایند مادی ۱۶/۶۶٪، فرایند رفتاری ۱۴/۷۴٪، فرایند ذهنی ۱۰/۸۹٪، فرایند رابطه‌ای ۸/۳۳٪، فرایند کلامی ۳/۲۰٪ و فرایند وجودی ۰/۶۴٪.

جدول ۳: فرایندهای به کار رفته برای هر شخصیت در داستان پیر چنگی

شخصیت	فرایند مادی	فرایند رابطه‌ای	فرایند ذهنی	فرایند رفتاری	فرایند کلامی	فرایند وجودی
خدا	۴/۴۸٪	۰/۶۴٪	۰/۶۴٪	۰/۶۴٪	۰/۶۴٪	۰
پیر چنگی	۱۶/۶۶٪	۸/۳۳٪	۱۰/۸۹٪	۱۴/۷۴٪	۳/۲۰٪	۰
عمر	۸/۳۳٪	۸/۹۷٪	۵/۱۲٪	۱۲/۱۷٪	۲/۵۶٪	۰/۶۴٪
تعداد کل	۱۵۶					

آنچه قابل توجه است قرار گرفتن بسیاری از فرایندها درون فرایند کلامی و ذهنی است؛ به عبارت دیگر، فراوانی برخی از فرایندها برگرفته از فرایندهای درون فرایندهای کلامی و ذهنی است؛ برای مثال، در ابیات ۲۰۸۲ تا ۲۰۸۵، اگرچه فرایندهای وجودی، رفتاری و مادی مشاهده می‌شود، فرایند غالب فرایند کلامی و فراتر از آن فرایند ذهنی است که لایه‌های مختلف درونه‌ای از معانی و فرایندها را نمایش می‌دهد (مدل ۱).



مدل شماره ۱. نمایش ترتیب فرایندها در ساختار داستان پیر چنگی

با توجه به ابیات ۲۰۸۳ تا ۲۰۸۶ می توان برجسته بودن فرایند ذهنی را از آغاز داستان برای تبیین شخصیت پیر چنگی مشاهده کرد. در این ابیات، هدف فرایندهای کلامی خداوند است:

گفت: عمر و مهلتم دادی بسی لطف‌ها کردی خدایا با خسی

(مولوی، ۱۳۸۷، ۱/۲۰۸۳)

معصیت ورزیده‌ام هفتادسال بازنگرفتی ز من روزی نوال

(همو، ۱/۲۰۸۴)

نیست کسب امروز مهمان توام چنگ بهر تو زخم آن توام

(همو، ۱/۲۰۸۵)

سپس فرایند مادی «برداشتن» و فرایندی با دو بعد متفاوت و ساختاری یکسان (شد در معنای گشت یا گردید نمونه فرایند رابطه‌ای و شد در معنای رفت مثالی برای فرایند مادی محدود و گسترش نیافته) مطرح می‌شود. این فرایندهای مادی شخصیت را در جایگاه کارگزار نمایش می‌دهد:

چنگ را برداشت و شد الله جو سوی گورستان یثرب آه گو

(همو، ۱/۲۰۸۶)

در ادامه، برخلاف ابیات نخست، هدف کلام تغییر می‌کند، شکل درونی‌تر و عمیق‌تر می‌یابد و در قالب مونولوگ (هدف همان گوینده است) و فرایند ذهنی مطرح می‌شود:

گفت: خواهم از حق ابریشم بها کو به نیکویی پذیرد قلب‌ها

(همو، ۱/۲۰۸۷)

سپس فرایند مادی پیر چنگی «نواختن»، «نهادن»، «بالین کردن» و «فتادن» بیان می‌شود (همو، ۱/۲۰۸۸). بار دیگر فرایند ذهنی در قالب «خواب دیدن» در ۱۵ بیت بسامد قابل توجهی می‌یابد (همو، ۱/۲۰۸۹-۲۱۰۳). در اینجا، با ادامه روایت و ورود شخصیت عمر دوباره فرایند ذهنی در قالب «خواب دیدن»، این بار برای عمر تکرار می‌شود و الهام الهی از طریق رویای صادق بر او عیان می‌شود (همو، ۱/۲۱۰۶، ۲۱۶۲ - ۲۱۶۶). چنانکه استاد فروزانفر هم در تحلیل بیت بیان

بک زبان و مطالعه نمود معنایی آن در شخصیت پروازی..... ۷۵۱۱۱

می کنند خواب برای صوفیه کلید و حلال مشکلات است. وقتی صوفیان دچار مشکل در مورد امور دینی یا دنیایی می شوند، راه حل را در خواب می یابند. خواب یکی از راه های کشف محسوب می شود و با اتصال روح به عالم غیب حاصل می شود (فروزانفر، ۱۳۸۱، ۶۳). عمر از خواب برمی خیزد (فرایند رفتاری) (مولوی، ۱۳۸۷، ۱/۲۱۶۷) و رو به سوی گورستان می نهد، در حالی که کیسه ای زر در بغل دارد، دوان و در جست و جو است (فرایند رابطه ای) (همو، ۱/۲۱۶۸). در بیت مذکور، فعل «است» فرایند رابطه ای را نشان می دهد، اما جست و جو کردن و دویدن عمر بر فرایند مادی تأکید می کند و او را در جایگاه کنشگر قرار می دهد. عمر گرد دشت می گردد (فرایند مادی) (همو، ۱/۲۱۷۳)، بارها با خود سخن می گوید و آنچه در خواب دیده است، یادآور می شود (همو، ۱/۲۱۷۰ - ۲۱۷۲ و ۲۱۷۴). در نهایت، نزد پیر چنگی می آید، با رعایت ادب می نشیند، عطسه ای بر او می افتد و پیر از جا می جهد (فرایندهای مادی) (همو، ۱/۲۱۷۵). زمانی که پیر چنگی عمر را می بیند (فرایند ذهنی)، شگفت زده می شود (فرایند رابطه ای)، عزم رفتن می کند (فرایند ذهنی) و می لرزد (فرایند رفتاری) (همو، ۱/۲۱۷۶). در اینجا، با مونولوگ پیر چنگی بار دیگر فرایند ذهنی، برجسته تر از دیگر فرایندها آشکار می شود (همو، ۱/۲۱۷۷). در ادامه، فرایند کلامی میان عمر و پیر چنگی سیر روایت را پیش می برد. بسیاری از فرایندها در قالب فرایند ذهنی و کلامی مطرح می شوند؛ به عبارت دیگر، فرایندهای اصلی ذهنی و کلامی هستند و فرایندهای دیگر در میان این فرایندها مشاهده می شوند (مدل ۱). توجه مولوی به روش تبادل کلامی و برجسته ساختن امور ذهنی برای بیان این مضمون که شرط اصلی رسیدن به حق انکسار قلب است، با بسامد فرایندهای ذهنی و کلامی آشکار می شود.

رفتن گرگ و روباه به خدمت شیر

در این داستان تمثیلی، شیر به همراه گرگ و روباه برای شکار می رود. در اینجا، شیر مظهر ولی کامل است و همراهی او با گرگ و روباه در خور او نیست. گرگ و روباه نماد انسان های

شکم باره محسوب می‌شوند که تنها به دنبال برطرف کردن نیازهای جسم هستند. شیر به ضرورت آنها را همراهی می‌کند. پس از به دست آوردن شکار، با وجود آگاه بودن شیر از درون و باطن روباه و گرگ از آنها می‌خواهد شکار را تقسیم کنند تا طمع درونی آنان آشکار شود. گرگ شکار را میان هر سه تقسیم می‌کند. شیر با مشاهده گستاخی گرگ و سخن او از «من» و «تو» و «قسمت من و تو» او را می‌درد؛ چرا که این صیدها با حضور شیر حاصل شده است و در محضر او نباید وجودی برای خویش قائل شد. شیر از روباه می‌خواهد شکار را تقسیم کند. روباه با عبرت گرفتن از عاقبت گرگ تقسیم را بی‌معنا می‌پندارد و تمام صید را متعلق به شیر می‌داند. وقتی شیر مشاهده می‌کند روباه برخلاف گرگ اظهار وجود نکرده است، تمام صید را به او می‌بخشد و می‌گوید: تو دیگر روباه نیستی، بلکه خود منی.

داستان‌های تمثیلی با سطوح متفاوت از معانی و با هدف بیان غیرمستقیم مفاهیم قابل توجه هستند. این سطوح با توجه به بافت و متأثر از آن شکل می‌گیرند و وجوه تمایزی نشان می‌دهند. دنبال کردن خطوط داستان، براساس دستور نقش‌گرای هلیدی، ویژگی‌های زبانی - معنایی برای ترسیم وجهه پیر را روشن می‌سازد. داستان مورد مطالعه در بیان فانی کردن وجود خود در وجود خداوند و عبرت گرفتن از حوادث است. در این داستان، سه شخصیت مشاهده می‌شوند: شیر که تمثیل پیر عارف کامل است و روباه و گرگ که تمثیل سالک هستند. فرایندهای مختلف در توصیف ابعاد این سه شخصیت به کار رفته است (جدول ۴).

جدول ۴

نظام گذرایی در برخی از ابیات داستان رفتن گرگ و روباه به خدمت شیر

شماره بیت	شرکت کنندگان	فرایند	شرکت کنندگان
۳۰۱۳/۱	شیر و گرگ و روبهی (کارگزار)	رفته بودند (مادی)	از طلب
۳۰۳۱/۱	شیر (مدرک)	دانست (ذهنی)	آن وسواشان
۳۰۲۷/۱	شیر (مدرک)	بر شیر زد (ذهنی)	عکس طمع هردوشان
۳۰۳۲/۱	شیر (گوینده)	گفت (کلامی)	بنمایم سزا مر شما را ای خسیسان گدا
۳۰۴۴/۱	گرگ (گوینده)	گفت (کلامی)	ای شه گاو وحشی بخش توست

بک زبان و مطالعه نمود معنایی آن در شخصیت پرورشی ۷۷

۶	۳۱۰۲/۱	آن سرفراز (کار گزار)	بر کند (مادی)	سر
۷	۳۱۰۵/۱	روباه (کار گزار)	سجده کرد (مادی)	

از مجموع ۷۹ فرایند قابل مشاهده در داستان درصد فرایندها به ترتیب بسامد عبارت‌اند از فرایند مادی ۲۲/۷۸٪، فرایند رابطه‌ای ۱۳/۹۲٪، فرایند رفتاری ۱۱/۳۹٪، فرایند ذهنی و کلامی هر کدام ۱۰/۱۲٪ و فرایند وجودی ۳/۷۹٪. فراوانی فرایندها نشان می‌دهد بیشترین بسامد به شخصیت شیر مربوط است. این مسئله شخصیت‌های دیگر را در سایه قرار می‌دهد و بر موضوع داستان یعنی در نظر گرفتن وجود حقیقی و گذشتن از خود در برابر او تأکید می‌کند (جدول ۵).

جدول ۵: فرایندهای به کار رفته برای هر شخصیت در داستان رفتن گرگ و روباه به خدمت شیر

شخصیت	فرایند مادی	فرایند رابطه‌ای	فرایند ذهنی	فرایند رفتاری	فرایند کلامی	فرایند وجودی
شیر	۲۲/۷۸٪	۱۳/۹۲٪	۱۰/۱۲٪	۱۱/۳۹٪	۱۰/۱۲٪	۳/۷۹٪
گرگ	۲/۵۳٪	۲/۵۳٪	۱/۲۶٪	۰	۱/۲۶٪	۰
روباه	۲/۵۳٪	۳/۷۹٪	۱/۲۶٪	۰	۳/۷۹٪	۰
تعداد کل	۷۹					

شیر در مقام پیر و مرشد با ۲۲/۷۸٪ فرایند مادی شخصیتی فعال است. فرایندهای مرتبط با روباه و گرگ در بیشتر موارد فراوانی یکسانی را نشان می‌دهند. این بسامد شرایط یکسان روباه و گرگ را در جایگاه سالک آشکار می‌سازد. داستان با فرایند مادی آغاز می‌شود:

شیر و گرگ و روبهی بهر شکار رفته بودند از طلب در کوهسار

فرایند مادی

(مولوی، ۱۳۸۷، ۱/۳۰۱۳)

در ادامه، وجهه شیر با فرایند رفتاری «اکرام و بزرگواری نشان دادن» توصیف می‌شود؛ اگرچه شیر از آن دو عار دارد، با آنان با بزرگواری برخورد می‌کند (همو، ۱/۳۰۱۶). سپس با اشاره به حدیث «الجماعه رحمه و فی الفرقه عذاب» (همو، ۱/۳۰۱۷) این فرایند رفتاری برجسته می‌شود. فرایندهای مادی در توصیف وجهه شیر و دراصل پیران طریقت، ابعادی تازه نشان

می‌دهد:

گاو کوهی و بز و خرگوش زفت یافتند و کار ایشان پیش رفت

فرایند مادی فرایند مادی

(همو، ۱/۳۰۱۳)

گرگ و روباه به دلیل همراهی با شیر به شکار دست می‌یابند (فرایند مادی). چنانکه زمانی در شرح این موضوع بیان می‌کند هر کس در خدمت و صحبت شیران بیشه طریقت و عارفان کامل باشد، از علوم و معارف بی‌نصیب نمی‌شود. این علوم و معارف روزی و رزق آسمانی و قوت روحانی است (زمانی، ۱۳۸۷، ۸۸۱). فرایند دیگر قابل توجه فرایند ذهنی است. این فرایند وجهه دیگری از شخصیت پیر را آشکار می‌سازد:

عکس طمع هردوشان بر شیر زد شیر دانست آن طمع‌ها را سند

فرایند ذهنی فرایند ذهنی

(همو، ۱/۳۰۲۷)

هیچ کس نمی‌تواند افکار و احوال درونی خود را از پیر پنهان کند. عارف کامل از درون سالک آگاه است. سپس فرایند سکوت در قالب فرایند کلامی ویژگی دیگری را تبیین می‌کند:

شیر چون دانست آن وسواسشان وانگفت و داشت آن دم پاسشان

فرایند ذهنی فرایند کلامی فرایند رفتاری

(همو، ۱/۳۰۳۱)

شیر از طمع گرگ و روباه آگاه است، اما سکوت می‌کند تا درونیات آنان آشکار شود. فرایند کلامی «وانگفت» بر سکوت پیر دلالت دارد و فرایند رفتاری پس از آن (پاس داشتن) ابعاد دیگری از شخصیت را نمایش می‌دهد. در ادامه، فرایندهای ذهنی شیر در قالب مونولوگ مطرح می‌شود (همو، ۱/۳۰۳۲-۳۰۳۸). شیر تلاش می‌کند ماهیت درونی گرگ و روباه آشکار شود. در نتیجه، آنها را مورد امتحان قرار می‌دهد و از آنان می‌خواهد شکارها را تقسیم کنند (همو، ۱/۳۰۴۲-۳۰۴۳). فرایند کلامی گرگ نشان می‌دهد در مقابل شیر اظهار وجود

سبک زبان و مطالعه نمود معنایی آن در شخصیت پروازی..... ۷۹۱۱۱

کرده (همو، ۱/ ۳۰۴۴ - ۳۰۴۵) و از «مایی» و «تویی» سخن گفته است. شیر در نتیجه این فرایند کلامی گرگ را سرزنش می کند و سپس می درد (همو، ۱/ ۳۰۴۷ - ۳۰۴۸). این فرایند مادی (دریدن گرگ) منظور اصلی داستان یعنی پیوستن به حقیقت اصلی و ندیدن هستی خود در برابر او را تأکید می کند و اهمیت آن را می افزاید. داستان با فرایند کلامی و گفت و گوی میان روباه و شیر ادامه می یابد (همو، ۱/ ۳۱۰۴). فرایند کلامی با فراوانی بیشتر و قرار گرفتن در خط اصلی روایت چشمگیر و برجسته می نماید و آشکار می کند ویژگی زبانی بافت مورد مطالعه در داستان مذکور انتخاب شیوه گفت و گو به منزله روشی اثرگذار است.

نتایج مقاله

در این پژوهش، ویژگی های زبانی و نقش آنها در خلق معنا برای تبیین سبک عرفانی براساس دستور نقش گرای هلیدی مورد مطالعه قرار گرفت. براین اساس، تحلیل شخصیت ها در دو داستان از مثنوی معنوی با تمرکز بر جایگاه پیر نشان داد هر کدام از فرایندها ابعادی از شخصیت پیر را برجسته می سازند؛ بسامد فرایند ذهنی بر رویای صادقه پیر در مقام راهنما دلالت می کند. همچنین، بر آگاه بودن او از درون و باطن سالکان اشاره دارد. مطرح شدن فرایند ذهنی در قالب رویای صادقه پس از اظهار پشیمانی پیر چنگی به درگاه خداوند او را در جایگاهی برابر و هم تراز با عمر (در مقام ولی الهی) قرار می دهد. آنچه با توجه به تحلیل نظام گذرایی در پژوهش پیش رو تأیید و تأکید می شود کارکرد فرایند کلامی و اهمیت شیوه گفت و گو در میان صوفیه با هدف تعلیم است. بسامد این فرایند قابل توجه است و نشان می دهد فرایندهای دیگر، صورتی درونه شده در میان فرایند کلامی هستند. بدین ترتیب، فرایند کلامی بیشتر از دیگر فرایندها پیرنگ داستان را پیش می برد. این انتخاب خاص زبانی، رویدادها را شکل می دهد، مشارکان را به انجام دادن عمل به صورت هدفمند و ادراک امور از سوی پیر وادار می کند و آنها را در رویدادها درگیر می سازد. همچنین، نشان می دهد علاوه بر فراوانی آماری

۸۰ // دو فصلنامه مطالعات تئاتر ادبی / سال سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷ شماره پهل و نهم

فرایندها توجه به جایگاه قرار گرفتن آنها در بافت اهمیتی بسزا دارد. پیر با بسامد فرایند مادی در جایگاه کار گزار قرار می گیرد و مشارکان این فرایند مشخص می کنند هنجارهای بافت مورد مطالعه چیست و تا چه اندازه رعایت آنها ضرورت دارد. همچنین، از این رهگذر، موضوع را پررنگ و برجسته می سازند. چنین تحلیلی می تواند چگونگی نظام دستوری - معنایی زبان در دریافت مفاهیم و ایدئولوژی ها را نشان دهد و نوع تفکر و انگیزه نویسنده را آشکار سازد. با بررسی نوع گزینش فرایندها، قیاس آنها با یکدیگر و طبقه بندی براساس دستور نقش گرای هلیدی می توان به درکی دقیق و استوار از جنبه های ساختاری - معنایی متون دست یافت.

سبک زبان و مطالعه نمود معنایی آن در شخصیت پردازی..... ۸۱۱۱۱

کتابشناسی

- تولان، مایکل. (۱۳۸۶). روایت شناسی؛ در آمدی زبان شناختی - انتقادی، ترجمه سید فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، تهران: سمت.
- رضویان، حسین و احسانی، وجیه. (۱۳۹۴). «کاربرد استعاره دستوری گذرایی در مقایسه سبک دو رمان»، فصلنامه تخصصی نقد ادبی، شماره ۸، ۱۴۳ - ۱۶۵.
- زمانی، کریم. (۱۳۸۷). شرح جامع مثنوی، تهران: اطلاعات.
- سجودی، فرزانه و اکبری، زینب. (۱۳۹۳). «تحلیل انتقادی مقامات مشایخ صوفیه»، فصلنامه کهن نامه ادب پارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره چهارم، ۷۳ - ۹۷.
- شیبانی اقدم، اشرف. (۱۳۹۴). کلیدواژه های سبک شناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- همو و همکاران. (۱۳۹۶). «جهان بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول مثنوی با تکیه بر نظام گذرایی»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، شماره ۴۶، ۱۲۳ - ۱۴۵.
- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۸۱). شرح مثنوی شریف، تهران: علمی و فرهنگی.
- فقیه ملک مرزبان، نسرين و میلادی، فرشته. (۱۳۹۲). «نقد و تحلیل گفتمان نقشبندیه در غزل جامی براساس نظریه زبان شناختی فرکلاف و هلبدی»، فصلنامه مطالعات عرفانی، شماره ۱۸، ۱۱۳ - ۱۴۶.
- منشی زاده، مجتبی و الهیان، لیلا. (۱۳۹۴). «بررسی سبک شناختی فعل در گلستان؛ متأثر از حوزه تعلیمی آن با رویکرد نقش گرای نظام مند»، دوماهنامه جستارهای زبانی، شماره ۶، ۲۵۹ - ۲۷۹.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی. (۱۳۷۶). به سوی زبان شناسی شعر، تهران: مرکز.
- Burtun, D. 1982. Through glass darkely: Through dark glasses, in R.Carter(ed), Language and Literature. An Introductory Reader in Stylistics. London: George Allen and Unwin.
- Fairclough, Norman, 1992. Discourse and Social Change. Polity Press, Cambridge
- Halliday, Michael, 1994. An Introduction to Functional Grammar. E. Arnold, London.
- Halliday, M.A.K and Mathiessen Chirstain (2004, 3rd.), An Introduction to functional Grammar, Arnold: Britian. P174.
- Kennedy, C.1982. Systematic grammar and its use in literary analysis in R. Carter(ed), Language and Literature: An Introductory Reader in Stylistics. London: George Allen and U Li, Juan 2010. "Transitivity and lexical cohesion: Press representations of a political

۱۱۱۸۲ دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷ شماره پهل و، منعم

London: Arnold.

Nargaard, Nina & Rocio Montoro and Beatrix Busse 2010. Key Terms in Stylistics, New York, Maiden Lane. nwin, pp 83-99.

Toolan, M. [1988] (2001) Narrative: a critical linguistic introduction. Routledge.